

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز
سال دوازدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۹۹، پیاپی ۴۴، صص ۱۴۱-۱۷۰
[DOI: 10.22099/jba.2019.33671.3400](https://doi.org/10.22099/jba.2019.33671.3400)

ابیات نویافته‌ی شاعران در مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف و اشاره‌ای به اهمیت این اثر

امید شاه‌مرادی * محمدجعفر یاحقی **

دانشگاه فردوسی مشهد

عارف نوشاهی ***

کالج دولتی گوردون، راولپندی، پاکستان

چکیده

به دلیل فقدان نسخه‌های خطی معتبر از دیوان برخی شاعران، سفینه‌ها و جنگ‌های شعری از جمله مهم‌ترین متونی هستند که می‌توان از آن‌ها، در جهت تصحیح و بازتصحیح دیوان‌ها، استفاده کرد. هرچه قدمت این سفینه‌ها بیشتر باشد، معمولاً ضبط‌های صحیح‌تر و اصیل‌تری دارند. مجموعه‌ی *لطایف و سفینه‌ی ظرایف*، تألیف سیف جام هروی، یکی از مهم‌ترین سفینه‌هایی است که در پایان قرن هشتم و ابتدای قرن نهم هجری، در شبه‌قاره نوشته شده است. با این‌که موضوع اصلی این اثر بلاغت است، جامع سفینه، اشعار فراوانی را از شاعران کم‌نام و مشهور، در آن گرد آورده است که می‌توان از آن در جهت پیش‌برد مطالعات ادبی بهره برد؛ از جمله مهم‌ترین کاربردهای

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی o.shahmoradi1988@yahoo.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی mgyahaghi@yahoo.co.uk (نویسنده‌ی مسئول)

*** استاد زبان و ادبیات فارسی arifnaushahi@gmail.com

این سفینه، یکی است که می‌توان از آن برای بازیابی و بازتصحیح اشعار برخی شاعران استفاده کرد. در این پژوهش، با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف، ۴۲ بیت نویافته از شاعرانی که دیوان آن‌ها به چاپ رسیده، ارائه شده است؛ این شاعران عبارتند از: امیرمعزی، نظامی گنجوی، ظهیر فاریابی، شمس طوسی، ناصر بجه شیرازی، نزاری قهستانی، حسن کاشی، ابن‌یمین، عبید زاکانی و جهان‌ملک خاتون. همچنین در این مقاله، با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف، برخی ضبط‌های ناصحیح موجود در دیوان چند شاعر تصحیح شده است، تا بر اهمیت این سفینه از این جهت نیز تأکید شده باشد.

واژه‌های کلیدی: ابیات نویافته، تصحیح، سیف جام هروی، مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف.

۱. مقدمه

به دلیل شرایط نامطلوب سیاسی - اجتماعی و همچنین برخی مسائل ایدئولوژیک، متأسفانه دستنویس‌های کهن دیوان بسیاری از شاعران از بین رفته است؛ بنابراین، برای دستیابی و تصحیح اشعار برخی شاعران، ناگزیر از مراجعه به منابع جانبی هستیم. سفینه‌ها و مجموعه‌های شعری^۱ یکی از مهم‌ترین منابع جانبی هستند که اشعار بسیاری از شاعران کم‌شهرت و مشهور را از حوادث روزگار، محفوظ داشته‌اند؛ «در بسیاری از جنگ‌ها، اشعار و آثاری محفوظ مانده است که اثری از آن اشعار و آثار در جای دیگر و به صورت مستقل دیده نمی‌شود» (افشار، ۱۳۸۹: ۱). یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین این گونه مجموعه‌ها و سفینه‌ها، مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف به قلم سیف جام هروی است. تدوین این اثر، در زمان سلطنت فیروزشاه تغلق (حک: ۷۵۲ - ۷۹۰ ق) در شبه‌قاره آغاز شده و احتمالاً تا سال ۸۰۴ ق به طول انجامیده است (رک. نذیر احمد، ۱۳۹۴: ۳۴۷ - ۳۴۹). با آن‌که موضوع اصلی این اثر، بلاغت است، سیف جام، چندان به آن پایبند نبوده و به مسائل غیربلاغی مانند توحید و نعت و فقه و غیره نیز در تبویب سفینه، توجه داشته است. گرچه جامع این اثر، در پی تألیف کتابی بلاغی بوده، در ذیل هر صنعت، اشعار فراوانی را از سراینده‌گان مختلف گرد آورده و ارزش کار خود را تا حدّ یک سفینه‌ی شعری پربرگ بالا برده است. اشعاری که در این مجموعه‌ی ارزشمند به‌عنوان شواهد

شعری استفاده شده است، از شاعران مشهور و صاحب‌دیوان تا شاعران کم‌شهرت و کم‌نام را شامل می‌شود. اهمیت این اثر وقتی بیشتر و بهتر روشن می‌شود که بدانیم، محلّ گردآوری آن، شبه‌قاره، همواره یکی از کانون‌های اصلی پرورش و توجّه به شعر فارسی بوده که نسبت به ایران، کمتر در معرض تاخت و تاز اقوام بیگانه قرار داشته است؛ بنابراین، دستنویس‌هایی که سیف جام در تدوین اثرش در دست داشته، به احتمال دستنویس‌های معتبر و کاملی بوده است. مجموعه‌ی لطایف به سبب قدمت و حجم بسیارش، می‌تواند در تصحیح و بازتصحیح دیوان برخی شاعران، مورد توجّه قرار بگیرد. از این سفینه، تاکنون دو دستنویس در کتابخانه‌های جهان، شناسایی شده است: ۱. نسخه‌ی لندن در ۴۴۷ برگ، محفوظ در کتابخانه‌ی بریتانیا؛ ۲. نسخه‌ی کابل در ۴۱۰ برگ، محفوظ در آرشیو ملی افغانستان (برای جزئیات بیشتر رک. نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۲ - ۵۳).

پژوهش حاضر دو بخش کلی دارد: در بخش نخست، اشعاری نویافته از شاعران مشهورتری که دیوانشان چاپ شده، ارائه خواهد شد. تاجایی که بررسی شده، این اشعار در هیچ‌یک از چاپ‌های دیوان یا سفینه‌ها و تذکره‌های چاپی نیامده است. شاعران گفته‌شده عبارتند از: مانند امیرمعزی، نظامی گنجوی، ظهیر فاریابی، شمس طیبی، نزاری قهستانی، حسن کاشی، ابن‌یمین، عبید زاکانی و جهان‌ملک خاتون. در بخش دوم نیز، برای نمونه، برخی تصحیفات و تحریفات راه‌یافته به دیوان چند شاعر، با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف تصحیح شده است تا بر ضبط‌های صحیح و منحصر‌به‌فرد این اثر تأکید شده باشد.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون پژوهش‌های زیر درباره‌ی اشعار مجموعه‌ی لطایف انجام شده است؛ نذیر احمد (۱۹۹۱ م.)، در کتابی مستقل، یک قصیده به همراه صد و بیست و شش غزل حافظ را که در مجموعه‌ی لطایف موجود بوده، منتشر کرده است. همچنین او (۱۳۹۴) در مقاله‌ای، چند شاعر کم‌شهرت عهد فیروزشاه تعلق را با

تکیه بر مجموعه‌ی لطایف شناسایی کرده و اشعاری را از این شاعران به چاپ رسانده است. فوزیه وحید (۲۰۱۱) نیز، شاعران کم‌نام نیمه‌ی اوّل مجموعه‌ی لطایف را به‌عنوان رساله‌ی دکتری خود براساس نسخه‌ی لندن، به شکلی پرغلط در دانشگاه علیگره تصحیح کرده است. این رساله بعدها (۲۰۱۴ م.)، به‌صورت کتابی مستقل، روانه‌ی بازار شده است. نحوی (۱۳۹۷)، در جستاری که درباره‌ی «بوسهل زوزنی» انجام داده، چهار بیت نویافته از منوچهری دامغانی را از مجموعه‌ی لطایف، استخراج و چاپ کرده است. امیرحسن عابدی نیز در چند پژوهش، به ابیات نویافته‌ی مجموعه‌ی لطایف پرداخته است؛ نخست، در جستاری (۱۳۶۳)، دو غزل را از اشعار نویافته‌ی سعدی، براساس مجموعه‌ی لطایف منتشر کرده است؛ او سپس در پژوهشی دیگر (۱۹۸۵)، قصاید و غزلیات نویافته‌ای را از خاقانی، قطران، کمال‌الدین اصفهانی و غیره، براساس مجموعه‌ی لطایف به چاپ رسانده است؛ البته، در انتساب برخی از آن اشعار به این شاعران، جای شک است؛ به‌عنوان مثال، عابدی قصیده‌ای را که از کمال‌اسماعیل دانسته، متعلق به ازرقی هروی است. همچنین او در مقاله‌ای دیگر (۱۳۷۷)، از مجموعه‌ی لطایف به‌عنوان منبعی جانبی برای دستیابی به ابیات نویافته‌ی کمال خجندی، بهره برده است. عارف نوشاهی نیز در نوشتاری (۲۰۱۸ م.)، چهار غزل نویافته‌ی بوعلی قلندر را که در مجموعه‌ی لطایف آمده، چاپ کرده است. همچنین شاه‌مرادی و همکاران (۱۳۹۸ الف) با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف، برخی خطاها و اغلاط راه‌یافته به تذکره‌ی عرفات‌العاشقین را نقد و بررسی کرده‌اند؛ آن‌ها در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۸ ب) نیز، به بررسی و نقد مباحث بلاغی در مجموعه‌ی لطایف پرداخته‌اند.

با وجود تحقیقاتی که درباره‌ی ابیات نویافته‌ی مجموعه‌ی لطایف انجام شده، ابیات مهم دیگری نیز در این سفینه موجود است که با وجود اهمّیتی که دارند، تاکنون به آن‌ها توجه نشده است. در این پژوهش، ابیاتی ارائه خواهد شد که دیوان سرایندگان آن‌ها به چاپ رسیده، اما به دلیل متأخربودن نسخ دیوان، یا اهمال مصحّحان از مراجعه به منابع جانبی مانند مجموعه‌ی لطایف، این ابیات مغفول مانده است؛ همچنین، با تکیه بر

مجموعه‌ی *لطایف*، برخی ابیات دیوان چند شاعر که ضبط آن‌ها دچار تحریف یا تصحیف شده، برای نمونه بازتصحیح شده است.

۲. بحث و بررسی

در این بخش، ابتدا ابیات نویافته به ترتیب زمانی آورده خواهد شد؛ سپس، به ضبط‌های ناصحیح موجود در دیوان چند شاعر، پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که با وجود مراجعه‌ی نگارندگان به تمامی چاپ‌های دیوان، ارجاعات درون متن، فقط به یکی از چاپ‌های دیوان خواهد بود. همچنین تمامی موارد ارجاعی به مجموعه‌ی *لطایف*، براساس نسخه‌ی محفوظ در کتابخانه‌ی بریتانیاست.

۱.۲. اهمیت مجموعه‌ی *لطایف* در بازیابی اشعار شاعران صاحب دیوان

– امیر معزی

تاکنون از دیوان امیر معزی، شاعر مشهور عصر سلجوقی، سه چاپ به بازار عرضه شده است؛ اولین و مهم‌ترین چاپ، تصحیحی است که توسط عباس اقبال انجام شده است؛ اقبال، این تصحیح را براساس سه نسخه‌ی خطی که کهن‌ترین آن‌ها متعلق به عصر صفوی بوده، انجام داده است (رک. معزی، ۱۳۱۸: س). بعد از طبع دیوان، نسخه‌ای شامل منتخب اشعار معزی به دست اقبال می‌رسد که با عنوان اضافات در پایان کتاب به چاپ رسیده است (همان: ۸۲۲). پس از اقبال، ناصر هیری براساس همان چاپ نخست، چاپی دیگر با اغلاط مطبعی فراوان روانه‌ی بازار کرده است. سرانجام در سال ۱۳۸۵، محمدرضا قنبری، پس از انتقاداتی از چاپ اقبال (معزی، ۱۳۸۵: نود و هشت – یک‌صد)، به دلیل در دست نبودن نسخه‌ای جدید، همان چاپ اقبال را از نو حروف‌چینی می‌کند (همان: یک‌صد). با وجود چنین نسخ و چاپ‌هایی از دیوان معزی، استفاده از منابع جانبی مانند مجموعه‌ی *لطایف* در صورت چاپ مجددی از دیوان او، اجتناب‌ناپذیر است. «در نبود دیوان تعدادی از شاعران قدیم یا فقدان دستنویس‌های کهن از دیوان آن‌ها، این جنگ‌ها، مدرسان

پژوهشگران در بازیابی اشعار ازدست‌رفته و یا ضبط‌های اصیل و درخور هستند» (میرافضلی، ۱۳۹۴: چهارده). در مجموعه‌ی لطایف، دو بیت نویافته از معزّی موجود است: - نخست در قصیده‌ای با مطلع:

مستی و عاشقی و جوانی و نوبهار
آنرا خوش است کز بر او دور نیست یار
(معزّی، ۱۳۱۸: ۲۳۳)

در برگ (۴۵ ر) مجموعه‌ی لطایف، قبل از بیت ۵۶۸۷ دیوان، این بیت آمده که دیوان شاعر فاقد آن است:

صد حله بافته است ضمیرم به دست طبع
کز مدح توست پودش و از شکر توست تار

بیت بعد از بیت فوق، لزوم وجود این بیت نویافته را تأیید می‌کند:

گردون ز حله‌های دگر نقش بسترد
وین حله‌ها بماند تا حشر یادگار
(همان: ۲۳۵)

مرجع «وین» در «وین حله»، مبهم است و بیت نویافته این ابهام را برطرف می‌کند.

- همچنین، در ذیل ترجیع‌بندی از معزّی با مطلع:

عاشق شدم به آن بت عیار چون کنم
صعب است کار چاره این کار چون کنم
(همان: ۷۵۰)

در برگ (۲۴۹ پ) مجموعه‌ی لطایف، بعد از بیت ۱۷۲۳۳ دیوان، این بیت آمده که از چاپ‌های دیوان افتاده است:

ای کبک خوش خرام پریده ز دست من
دل چون کبوتری ز بر من پریده گیر

- نظامی گنجوی

از نظامی گنجوی، شاعر مشهور سده‌ی ششم، علاوه بر خمسه که شهرت فراوانی دارد، اشعاری در قالب قصیده و غزل نیز باقی مانده که سه چاپ از آن موجود است: نخست، چاپی است که حسن وحیددستگردی در آن، با استفاده از هشت نسخه، قصاید و غزلیات نظامی را جمع‌آوری و تصحیح کرده است (رک. نظامی، ۱۳۸۵: سه)؛ اما، چنان‌که نفیسی

گفته، پسند خود را در آن دخیل کرده (رک. نظامی، ۱۳۶۲: ۲۱۲) و به شَم و ذوق خود، اشعار دستنویس‌ها را ذیل سه عنوان اشعار مسلّم، اشعار مشکوک و اشعار ملّا نظامی‌های عصر صفوی، تقسیم‌بندی کرده است. چاپ دوم را سعید نفیسی با عنوان *دیوان قصاید و غزلیات نظامی*، منتشر کرده که به مراتب از چاپ وحید کامل‌تر و معتبرتر است؛ زیرا علاوه بر نسخ دیوان، از منابع جانبی بسیاری از جمله سفینه‌ها و تذکره‌ها نیز، استفاده کرده است؛ با این حال، تعداد ابیاتی که نفیسی در این چاپ از دیوان جمع‌آوری کرده، در حدود دوهزار بیت است؛ حال آن‌که دولت‌شاه، درباره‌ی تعداد ابیات دیوان نظامی می‌گوید: «دیوان شیخ نظامی و رای خمسه، قریب بیست‌هزار بیت باشد، غزلیات مطبوع و موشحات و شعر مصنوع بسیار دارد» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). اگرچه در بسیاری از موارد به سخن دولت‌شاه نمی‌توان اعتماد کرد، حتی اگر نیمی از تعداد ابیاتی که او گفته صحیح باشد، با آنچه امروز از شعر او در دست است، فاصله‌ی زیادی دارد. سرانجام، چاپ سوم را برات زنجانی در سال ۱۳۹۱، تصحیح و منتشر کرده است؛ از آنجاکه در نسخه‌ی اساس چاپ او، اشعار نظامی گنجوی و نظامی قرامانلی درهم آمیخته (رک. نظامی، ۱۳۹۱: ۲) و مصحح ذوق خود را در امر تصحیح دخیل کرده است، این تصحیح نمی‌تواند اعتبار چندانی داشته باشد. در دیوان قصاید و غزلیات، غزلی با این مطلع آمده است:

شدم بر صورتی عاشق که بر مه می‌کند غوغا / چه صورت، صورت دلبر چه دلبر، دلبر زیبا
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۵۹)

در برگ (۱۸۴ پ) مجموعه‌ی *لطایف*، این غزل نسبت به دیوان، سه بیت اضافه دارد؛ به شرح زیر:

غم و دردم کسی داند که باشد همچو من عاشق^۲

چه عاشق، عاشق صادق چه صادق، صادق دانا

زهی درّی که می‌بارد ز عشقش قیمتی دارد

چه قیمت، قیمت گوهر چه گوهر، گوهر دریا

به وامق دیدن حالت ندارد خسرو آن طاقت

چه خسرو، خسرو شیرین چه شیرین، وامق عذرا

همچنین، ابیات غزلی از نظامی در دیوان، به شکلی ناقص چاپ شده است (رک. نظامی، ۱۳۶۲: ۲۶۴)؛ این نقص، به این دلیل است که مرجع این غزل، نسخه‌ی کابل مجموعه‌ی لطایف، دچار آب‌خوردگی بوده؛ در نتیجه این غزل نیز ناتمام منتشر شده است. اکنون، با استفاده از برگ (۲۴۶ پ) نسخه‌ی لندن، این غزل کامل می‌شود:

ای خط کشیده بر مه تابان ز مشک ناب وز قیر بسته بر ورق یاسمین گلاب
خدت کشیده بر رخ خورشید و ماه نور زلفت فکنده در دل عنبر هزار تاب
بر لعل رویت آن عرق سیمگون بها ماند بدانکه بر گل سوری چکد گلاب
یک ذره آفتاب نماند به روی تو وین روشن است بر همه عالم چو آفتاب

- ظهیر فاریابی

تاکنون از دیوان ظهیر فاریابی، چند تصحیح منتشر شده است: نخستین بار، تقی بی‌ش در سال ۱۳۳۷ دیوان او را به چاپ رسانده است؛ پس از او، هاشم رضی (بی تا) چاپ دیگری از دیوان شاعر ارائه داد؛ چاپ بعدی دیوان که تاکنون معتبرترین چاپ دیوان ظهیر است، به دست امیرحسن یزدگردی تصحیح و در سال ۱۳۸۱، منتشر شد؛ پس از آن، اکبر بهداروند در سال ۱۳۸۹، تصحیحی دیگر از دیوان ظهیر انجام داد که البته چاپی غیرعلمی و کم‌اعتبار است. در دیوان ظهیر، ترکیب‌بندی با مطلع:

دوش چون زلف شب به شانه زدند رقم کفر بر زمانه زدند

(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۳۳)

آمده است؛ اما بعد از بیت ۱۸ این ترکیب‌بند، در برگ (۱۱۷ پ) مجموعه‌ی لطایف، بیت زیر آمده که در دیوان شاعر، دیده نمی‌شود:

ملک و دین را همی‌کند معمور راستی را لطیف معماری است

با توجه به هشت‌بیتی بودن بندهای این ترکیب‌بند، می‌توان مطمئن بود که این بیت اصیل است؛ زیرا بند سوم، برخلاف دیگر بندها، تنها هفت بیت دارد.

- شمس طبسی

دیوان شمس طبسی، شاعر قرون ششم و هفتم، تاکنون یک‌بار به تصحیح تقی بینش، منتشر شده است. نسخ دیوان شمس طبسی، نسبتاً کهن و مضبوط‌اند و نسخه‌ی اساس دیوان چاپی او مورخ ۷۱۳ ق است (رک. شمس طبسی، ۱۳۴۳: پنجاه‌ویک)؛ با این حال، ابیاتی از شمس طبسی در مجموعه‌ی لطایف آمده که در دیوان چاپی او موجود نیست. شمس طبسی قصیده‌ای با این مطلع دارد:

یا رب صباست اینکه به شبگیر می‌رود یا از گشاد قوس قزح تیر می‌رود
(همان: ۱۱۶)

در برگ (۷۶ ر) و (۷۶ پ) مجموعه‌ی لطایف، به ترتیب بعد از ابیات ۱۹۰۹، ۱۹۱۴ و ۱۹۲۰ دیوان، چند بیت زیر ثبت شده که در دیوان شاعر موجود نیست:

از آرزوی دور غم انجام بزم اوست گر آسمان به هیأت تدویر می‌رود
آن کس که او به خواب ندیدی قبا درست از جود تو در اطلس تعبیر می‌رود
از بودنسی هر آنچه رود بر زبان تو حقا که در مهابت تقدیر می‌رود
ای خشکسال جود ز تو دیده فتح باب در باب من ز بهر چه تقصیر می‌رود

- ناصر بجه شیرازی

ناصر بجه از شاعران قرون هفتم و هشتم است که دیوانچه‌ی او تاکنون یک‌بار توسط محمود مدبری، منتشر شده است. از آنجاکه نسخه‌ی مستقلی از دیوان این شاعر موجود نیست، مصحح دیوان، اشعار شاعر را از جنگ‌ها و منابع مختلف گردآوری کرده است. در دیوان شاعر غزلی با این مطلع موجود است:

سوگند به زلف پر ز چینت یعنی به کمند عبرینت

(ناصر بجه‌ای، ۱۳۷۵: ج ۹، ۵۲۹۷)

در برگ (۳۳۰ ر) مجموعه‌ی لطایف، بعد از ابیات ۶۰ و ۶۲ دیوان، به ترتیب سه بیت زیر آمده است که در دیوان شاعر موجود نیست:

سوگند به آفتاب تابان	یعنی که به پرتو جبینت
سوگند به نکته‌های شیرین	یعنی که به لفظ شکرینت
سوگند به بوی جانفزایت	یعنی که به معجز مبینت

- نزاری قهستانی

نزاری قهستانی، از معروف‌ترین شاعران قرون هفتم و هشتم است. دیوان او یک‌بار توسط مظاهر مصفا، در تهران چاپ شده است. نسخه‌های دیوان نزاری چنان‌که مصحح گفته است، همگی متأخر از قرن نهم و ناقص‌اند؛ «...هیچ‌یک از نسخه‌ها کامل نیست. نسخه‌ها یکی مکمل دیگری است، حتی بسیاری از غزل‌ها با هیچ‌یک از نسخه‌ها به‌تنهایی کامل نمی‌شود، نسخه‌ها بعضی منتخب است و بعضی ناقص و ناتمام» (نزاری قهستانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۰۶). با وجود چنین نسخ ناقص و متأخری، لازم است برای تصحیح معتبر و انتقادی دیوان شاعر، از متون جانبی دیگر، از جمله مجموعه‌ی لطایف کمک گرفت؛ زیرا علاوه بر وجود ابیات نویافته، مجموعه گاهی ضبط‌های منحصر به فردی دارد که برای تصحیح دیوان نزاری می‌تواند راهگشا باشد. در برگ (۲۳۵ ر) مجموعه‌ی لطایف، غزلی از نزاری به صورت کامل آمده است که در دیوان او موجود نیست:

ترک من بر گل خط از مشک خطا خواهد کشید

من به خون خط می‌دهم کآن خط خطا خواهد کشید

کلک نقّاش ازل بر صفحه‌ی رویش نگر

خط مشک از توده‌ی عنبر فرا خواهد کشید

می‌کند خطی به گرد ماهش از عنبر چنانک

آفتاب از رشک خط در استوا خواهد کشید

جان به موئی در بناگوشش معلق کرده ماند
خطّ بیزاری مگر بر جان^۳ ما خواهد کشید
سهو می‌گویم که از دود دلم خطّ سیاه
چرخ بر رویش به انگشت جفا خواهد کشید
آخر استحقاق را هم غایتی باشد پدید
باری این محنت نزاری تا کجا خواهد کشید
به احتمال بسیار، نزاری این غزل را به تقلید از عمادی شهریاری، شاعر مشهور سده‌ی
ششم، سروده و حتّی مصراع دوم بیت اوّل غزل خود را از عمادی، تضمین کرده است.
در برگ (۴۶ پ) جنگ یحیی توفیقی، دو بیت زیر به عمادی منسوب است:
گرچه بر سوسن خط از مشک خطا خواهد کشید
من به خون خط می‌دهم کآن خط خطا خواهد کشید
زان سیه‌چشمش که ما را کشت خواهد زار زار
آه اگر آه سحرگه کین ما خواهد کشید

- همچنین در برگ (۲۳۷ ر) مجموعه‌ی لطایف، این غزل به نام نزاری ضبط شده است:

ما دردنوش و عاشق و رند و قلندریم	بر سروران عالم دیوانگی سریم
گه رند دیر را به کرامات درکشیم	گه پیر خرقه را به خرابات دربریم
ترتیب اگر نگاه نداریم باک نیست	در مجلس قلندریان باده می‌خوریم
دیوانگان مست چه دانند راه عقل	رو خواجه رو که ما ره تکلیف نسپریم
بر دام زاهدی نتوان بست بار ما	زان مرغ نیستیم که بهتان کس خریم
تو خود بدیده‌ای که بدیدیم روی دوست	در پرده زان نیم که ما پرده می‌دریم
تا با حجاب کل ز میان برگرفت دوست	هرگز به خویش و هم به کسی بازنگریم

هر دم به دست فکرت اگر چند مفلسیم گنجی ز کنج جان نزاری برآوریم

- در دیوان نزاری، همچنین غزلی با مطلع زیر موجود است:

همچنین عمری است تا دیوانه‌وار دست بر سر می‌زنم از عشق یار

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۹۷)

در برگ (۲۳۳ ر) مجموعه‌ی لطایف، بعد از ابیات ۵۸۴۸ و ۵۸۴۹ دیوان، به ترتیب

ابیات زیر آمده که در دیوان شاعر نیامده است:

شمع اگر حاضر نباشد گو مباش می‌بباید سوختن پروانه‌وار

مرد باش ای پیر نابالغ هنوز پخته شو ای پخته‌خوار^۴ کامکار

به چند دلیل نمی‌توان در صحّت انتساب این ابیات به نزاری شک کرد: نخست این‌که، مجموعه‌ی لطایف از تمام نسخه‌های دیوان نزاری کهن‌تر است؛ دوم چنان‌که گفته شد، هیچ‌کدام از نسخ دیوان نزاری کامل نیست و همه ناقص یا منتخب‌اند؛ سوم این‌که، هر دو غزل دارای تخلص شاعر است و چهارم این‌که در مجموعه‌ی لطایف این دو غزل در بین غزل‌های دیگری نزاری آمده که همه در دیوان او موجود است؛ بنابراین، سرنویس‌های سفینه، صحیح است.

- حسن کاشی

از دیوان حسن کاشی، منقبت‌سرای قرون هفتم و هشتم، تنها یک چاپ موجود است که براساس سه نسخه که اقدم آن‌ها مربوط به قرن دهم بوده، تصحیح شده است (رک. کاشی، ۱۳۸۹: ۱۸). در دیوان او قصیده‌ای با مطلع زیر آمده است:

کسی که دیده به دیدار یار بگشاید در سعادتش از روزگار بگشاید

(همان: ۹۴)

در برگ (۲۲ پ) مجموعه‌ی لطایف، بعد از بیت ۶ قصیده‌ی فوق، این بیت آمده که

از دیوان شاعر افتاده است:

به رشک مشک گریبان نافه چاک زند چو دامن کله مشکبار بگشاید

- همچنین در دیوان، قصیده‌ای با مطلع:

ای ز بدو آفرینش پیشوای اهل دین وی ز عزّت مادح بازوی تو روح‌الامین
(کاشی، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

آمده است که در برگ (۲۵ ر) مجموعه‌ی لطایف، بعد از بیت ۲۲ دیوان، بیت زیر نویافته است:

پاک کرد از خاک کفر و ظلم بدعت بی‌خلاف ساحت اسلام را تیغ تو در جنگ صفین
علاوه‌بر دو بیت فوق، یک بیت نویافته‌ی دیگر هم در برگ (۲۰ پ) مجموعه‌ی لطایف، آمده که چون در جنگ عبدالکریم مدّاح آورده شده است (رک. عبدالکریم مدّاح، ۱۳۹۰: ۱۳۳)، از آوردن آن صرف‌نظر می‌شود.

- ابن‌یمین

تاکنون دو تصحیح از دیوان ابن‌یمین، به چاپ رسیده است؛ نخستین بار سعید نفیسی، دیوان قطعات و رباعیات ابن‌یمین را در سال ۱۳۱۸ به‌صورت ناقص، بدون قصاید و غزلیات، تصحیح کرد. پس از نفیسی، باستانی‌راد دست به تصحیح کلیات دیوان ابن‌یمین زد که تا امروز، تنها چاپ کامل از دیوان شاعر است. بااین‌حال، به دلیل تصحیح غیرانتقادی و متاخر بودن دستنویس‌های دیوان ابن‌یمین، بسیاری از اشعار شاعر یا از این دو چاپ افتاده یا با اشعار ابن‌یمین شبرغانی درآمیخته است (رک. رادفر، ۱۳۷۷: ۳۹). مجموعه‌ی لطایف، با توجه به قدمتی که دارد، دارای برخی از اشعار ابن‌یمین است که در دیوان چاپی شاعر نیست.

- در برگ (۳۰۳ ر) مجموعه‌ی لطایف، غزلی با مطلع زیر آمده است:

توئی که در دو جهانم یکی به جای تو نبود یگانه دو جهان خود کسی به جای تو نبود
این غزل هفت‌بیتی که دارای تخلص است؛ علاوه‌بر مجموعه‌ی لطایف، در یکی از نسخ دیوان ابن‌یمین نیز آمده و امیرحسن عابدی از روی این نسخه، آن را به چاپ رسانده است (رک. عابدی، ۱۳۸۲: ۲۵). از مجموعه‌ی لطایف، به‌عنوان منبعی دیگر در جهت صحّت انتساب این غزل به ابن‌یمین، می‌توان نام برد.

- همچنین، غزلی در برگ (۳۷۸ پ) مجموعه‌ی لطایف با این مطلع:
ای خنده‌زنان پسته شورت به شکر بر وی جلوه‌کنان زلف چو شامت به سحر بر^۵
آمده است؛ این غزل هفت‌بیتی علاوه بر مجموعه، در چاپ عکسی سفینه‌ی انیس‌الخلوه
نیز آمده (رک. ملطوی، ۱۳۹۰: ۳۱۸ پ) که دیوان شاعر، فاقد آن است.
- همچنین، در دیوان ابن‌یمین، قطعه‌ای با این مطلع آمده است:
ای خداوندی که از رفعت‌های همّت بر فراز کرکس گردون نشیمن ساز کرد
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۳۶۵)
- در برگ (۴۲۶ پ) مجموعه‌ی لطایف، بعد از بیت ۷۵۷۵ دیوان، بیتی آمده که در
دیوان شاعر نیست:
سنقر اندر تاب خرشید تموز از عدل تو چتر خویش از مهربانی [چون] سلیمان باز کرد
- در هر دو چاپ دیوان ابن‌یمین، قطعه‌ای با مطلع:
مدّتی در طلب مال جهان کردم سعی تا به آخر خبرم شد که ز نفعش ضرر است
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۳۵۳)
- آمده است که از ابن‌یمین نیست؛ این قطعه در برگ (۴۱۶ ر) مجموعه‌ی لطایف، به
شاعری به نام «زین‌الدّین بن سیف» منسوب است؛ دلیل صحّت این انتساب هم علاوه بر
قدمت مجموعه، تخلص شاعر است که در بیت پایانی آمده است:
این سیف ار بد و نیکی ز جهان پیش آمد غم مخور شاد بزی زان که جهان بر گذر است
همچنین این قطعه، علاوه بر مجموعه‌ی لطایف، در عرفات‌العاشقین (رک. اوحدی-
بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۹۸-۳۹۹) به نام ابن‌سیف آمده که دلیل صحّت انتساب آن در
مجموعه است. احتمالاً دلیل انتساب اشتباه این قطعه به ابن‌یمین، مضمون آن، یعنی قناعت
است. همچنین، برخی از ضبط‌های نادرست این قطعه‌ی منسوب به ابن‌یمین، با تکیه بر
مجموعه‌ی لطایف قابل تصحیح است؛ مانند مصراع دوم بیت زیر:
عوض هرچه به من داد فلک عمر ستاند نکند فایده فریاد که اینش هدر است

که در برگ (۴۱۵ پ) مجموعه‌ی لطایف، مصراع دوم به این صورت ضبط شده است:
«نکنند فایده فریاد چو اینش هنر است».

- عبید زاکانی

کلیات عبید، تاکنون پنج بار تصحیح شده است. نخستین بار، عباس اقبال دست به تصحیح این اثر زد. پس از او، اتابکی با مقابله‌ی چاپ اقبال و چند نسخه‌ی دیگر، تصحیح دیگری از این اثر انجام داد که تفاوت چندانی با چاپ اول ندارد. چاپ سوم را شهریار یاربخت منتشر کرد که مورد توجه اهل ادب قرار نگرفت. پس از آن، محمدجعفر محجوب چاپ پیراسته‌ای از کلیات عبید در امریکا منتشر کرد که می‌توان آن را معتبرترین چاپ کلیات عبید دانست. سرانجام اتابکی، تصحیحی دوباره از کلیات انجام داد و مقدمه‌ای مفصل بر آن نوشت. در کلیات عبید، قصیده‌ای با این مطلع آمده است:

چو صبح رایت خورشید آشکار کند ز مهر قبه افلاک زرنگار کند

(عبید زاکانی، ۱۹۹۹: ۲۳)

در برگ (۶۸ پ) مجموعه‌ی لطایف، بعد از بیت ۳۹۵ کلیات، این بیت نویافته است:

نه همچو مور میان بسته روز و شب گردد برای ریزه نانی که زهر مار کند

این قصیده بر طبق مجموعه‌ی لطایف و برخلاف کلیات، در مدح شاه شجاع نیست؛ بلکه در مدح امیرمبارزالدین محمد است. بیت تخلص این قصیده در کلیات چنین است:

به صدق روی دعا همچو جبرئیل امین به سوی بارگه شاه و شهریار کند

مگر عنایت شاه جهان ابواسحاق دلش به عاطفت خود امیدوار کند

جمال دنی و دین آنکه آسمان بلند غبار درگه او تاج افتخار کند

(عبید زاکانی، ۱۹۹۹: ۲۴)

حال آن که بیت دوم و سوم ابیات بالا در برگ (۶۸ پ) مجموعه‌ی لطایف، این گونه است:

مگر عنایت شاه جهان مبارز دین دلش به عاطفت خود امیدوار کند

محمد بن مظفر که آسمان بلند غبار درگه او تاج افتخار کند

کهن‌ترین نسخه‌ی کلیات عبید، یعنی دستنویس تاجیکستان نیز، دارای همین ضبط مجموعه‌ی لطایف است (رک. عبید زاکانی، ۱۹۹۹: ۱۸۹). احتمال دارد دلیل دوگانگی نسخ درباره‌ی ممدوح این قصیده، خود عبید باشد؛ به این معنی که بعد از دستگیری و کورشدن امیر مبارزالدین، به دست پسرش شاه‌شجاع (رک. غنی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۲۹ - ۲۳۳)، عبید از ترس گرفتاری، قصیده را به نام شاه شجاع کرده باشد.

— جهان‌ملک خاتون

برای نخستین بار در سال ۱۳۷۴ پوراندخت کاشانی راد و کامل احمدنژاد، دیوان جهان‌ملک خاتون را به بازار عرضه کردند؛ این تصحیح با این که تصحیح تقریباً خوبی به‌شمار می‌رود، تمامی اشعار جهان‌ملک را شامل نمی‌شود. سال‌ها بعد (۱۳۸۸) جواد بشری با استفاده از نسخه‌ای نویافته و چند منبع جانبی دیگر، مقاله‌ای درباب اشعار نویافته‌ی جهان‌ملک چاپ کرد. حال، نگارندگان با استفاده از مجموعه‌ی لطایف، ۹ بیت دیگر به دیوان جهان‌ملک خواهند افزود. در برگ (۲۹۲ پ) مجموعه‌ی لطایف، غزلی به نام او آمده است که در دیوان او دیده نمی‌شود:

مرا درد فراق ^۶ جان برآورد	هم از جان و هم از جانان برآورد
دل‌م در چنگ غم افتاد و چون نی	هزاران ناله و افغان برآورد
نسازد یک نفس با من نگارا	که بی او یک نفس نتوان برآورد
پذیرفته‌ست گویی قول دشمن	که دست جور با یاران برآورد
بسا تخمی که در بستان امید	فشاندم عاقبت هجران برآورد
سرم بادا فدای پای آن یار	که ما را از سر و سامان برآورد

همچنین در دیوان غزلی با مطلع زیر آمده است:

پشتم ز [غم]^۷ فراق شد خم کم نیست ز دیده روز و شب نم

(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۳۷۶)

در برگ (۲۹۳ ر) مجموعه، ذیل همین غزل به جای بیت زیر در دیوان:

از یار و دیار دور گشتم بر خاک مذکت افتادم
(همان: ۳۷۷)

این بیت آمده است:

دست طربم جفای گردون بر بست و ز دیده خون گشادم
همچنین در غزلی با مطلع زیر که از دیوان او فوت شده و بشری در مقاله‌ی خود آن را آورده است:

ای کرده مرا ز دل فراموش آورده کس دگر در آغوش
(بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۵)

بیت نویافته‌ی زیر در برگ (پ ۳۷۲) مجموعه‌ی *لطایف*، به عنوان بیت مقطع آمده است:

دیدى كه جهان وفا ندارد زین پس بنشین و بیش مخروش

در غزل دیگری که آن نیز از دیوان فوت شده و بشری در مقاله‌ی خود با مطلع:

گفته‌ای نیست مرا جز غم تو کار دگر کی به دست آیدت ای دوست چو من یار دگر
(بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۴)

آورده است؛ در برگ (پ ۲۹۲) مجموعه‌ی *لطایف*، بیت زیر که در مقطع غزل آمده،

نویافته است:

غم روی تو^۱ مرا بس بود آن روز مباد که دهم این دل غم دیده به دلدار دگر

۲.۲. اهمیت مجموعه‌ی *لطایف* در بازتصحیح دیوان برخی از شاعران

از دیگر وجوه اهمیت سفینه‌ها و جنگ‌ها چنان‌که اشاره شد، این است که در نبود دستنویس‌های معتبر از دیوان شاعران، ضبط‌های مهم و منحصر به فرد آن‌ها در بازتصحیح متون بسیار راهگشا خواهد بود. در این بخش سعی شده است با تکیه بر مجموعه‌ی *لطایف*، چند نمونه از تحریفات و تصحیفات راه‌یافته به دیوان چاپی چند شاعر، دوباره

تصحیح شود. شایان ذکر است که در این قسمت نیز، تمام چاپ‌های دیوان مورد نظر بوده است، اما ارجاع ما فقط به یکی از چاپ‌ها خواهد بود.

- امیر معزی

- از موارد ضبط‌های ناصحیح در دیوان معزی، بیت زیر است:

نعت او هستی به برهان راست چون نعت صنم گر صنم را گرد مرجان لؤلؤ لالاستی

(معزی، ۱۳۱۸: ۷۱۷)

در برگ (۴۶ پ) مجموعه‌ی لطایف، مصراع دوم بیت فوق، به صورت «گر صنم را زیر مرجان لؤلؤ لالاستی» ضبط شده است. واضح است که لؤلؤ لالا (دندان)، نه بر گرد مرجان (لب) معشوق، بلکه در زیر آن است؛ چنان‌که مجیر گوید:

سروی که بر مهش ز شب تیره چنبر است لؤلؤش زیر لعل و گلش زیر عنبر است

(مجیر بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۹)

- از دیگر اشتباه‌های در دیوان معزی، نمونه‌ی زیر است:

آنکه در یاقوت مشک آگین او شکر سرشت قوت عشاق اندر آن یاقوت مشک آگین نهاد

(معزی، ۱۳۱۸: ۱۷۴)

در برگ (۴۶ پ) مجموعه‌ی لطایف، به جای «مشک آگین»، «نوش آگین» آمده که صحیح است؛ شاعران، لب را به نوش تشبیه کرده‌اند نه به مشک. چنان‌که خود معزی در جای دیگر گفته است:

لؤلؤ نشنیدم من در بسد نوش آگین لاله نشنیدم من در سنبل مشک افشان

(همان: ۶۴۹)

- یا این بیت:

هرچند روزگار دگر گشت زآنکه او (کذا) جز خواجه کیست سید پیران روزگار

(همان: ۲۳۴)

ضبط مصراع اول بیت بالا در برگ (۴۵ ر) مجموعه‌ی لطایف این گونه است: «هرچند روزگار دگر گشت زانکه بود».

- سیدحسن غزنوی

از دیگر شاعرانی که شعر او در مجموعه‌ی لطایف آمده، سیدحسن غزنوی، ملقب به اشرف است. دیوان سیدحسن، تاکنون دو بار تصحیح شده است: ابتدا مدرس رضوی، دیوان شاعر را با چند نسخه که کهن‌ترین آن‌ها متعلق به سده‌ی یازدهم بوده، تصحیح کرده است. سپس، عباس بگ‌جانی در سال ۱۳۹۸، تصحیحی دیگر از دیوان شاعر منتشر کرده است. از خطاهای راه‌یافته به دیوان شاعر، می‌توان به این بیت اشاره کرد:

در آتش است رایست چتر سیاه او بر روی روزگار زهی زلف و خال ملک

(غزنوی، ۱۳۹۸: ۱۰۷)

در برگ (۱۰۰ پ) مجموعه‌ی لطایف، مصراع اول به صورت «آرایش است رایت و چتر سیاه او» ضبط شده است. در ضبط دیوان، نه تنها با انداختن «و» بعد از «رایت»، لفّ و نشر بین دو مصراع از بین رفته، بلکه «در آتش» نیز تحریف «آرایش» است. این بیت در دیوان سیدحسن تصحیح مدرس رضوی، نیامده است.

- سوزنی سمرقندی

سوزنی سمرقندی از دیگر شاعرانی است که برای تصحیح دیوان او، باید از منابع جانبی بهره برد؛ زیرا متأسفانه، نسخ دیوان او همه متأخر و متعلق به قرون ۱۳ و ۱۴ است. دیوان سوزنی تاکنون دو بار توسط ناصرالدین شاه‌حسینی، به چاپ رسیده است: نخستین بار، شاه‌حسینی در سال ۱۳۳۸، دیوان سوزنی را به شکلی پرغلط با نسخه‌ی اساسی که به خط عبرت نایینی بوده (رک. سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲)، منتشر کرده است؛ سپس، پس از انتقادات فراوانی که از چاپ نخست شد، مصحح دوباره در سال ۱۳۴۴، ویرایشی جدید از دیوان انجام داد که با این که برخی ایرادهای قبلی را برطرف ساخته است، همچنان غلط‌های فراوانی دارد؛ نسخه‌ی اساس این تصحیح نیز متأخر و به خط نیای مصحح بوده

است (همان: هفده). با توجه به جدیدبودن نسخ دیوان شاعر، برای نمونه، دو بیت قصیده‌ای از سوزنی با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف، تصحیح می‌شود.

- از خطاهای چاپ‌شده در دیوان سوزنی، یکی بیت زیر است:

ای خداوندی که از لطف تو جاه آورده‌ام ز آنچه بودستم گرفته بارگاه آورده‌ام

(همان: ۱۸۴)

در برگ (۱۳ ر) مجموعه‌ی لطایف، مصراع دوم به صورت «چون که تو دستم گرفتی رو به راه آورده‌ام»، ضبط شده است.

- و دیگر این بیت:

لاله آورده را اثبات آلا الله ز من عشق آلا الله و صدق لاله آورده‌ام

(سوزنی سمرقندی، ۱۳۴۴: ۱۸۴)

در برگ (۱۳ ر) مجموعه‌ی لطایف، مصراع اول این گونه آمده است: «لاله آورده‌ام اثبات آلا الله را»؛ به دلیل تحریف‌های دیوان، معنای مصراع اول معیوب شده است.

- نزاری قهستانی:

از نمونه ضبط‌های ناصحیح در دیوان نزاری، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

جان و دل معتکف کوی توند ار بروم این سفر نیست که یک هفته گر آیی به برم

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۹۴)

در برگ (۲۳۲ ر) مجموعه‌ی لطایف، بیت چنین ضبط شده است:

جان و دل معتکف کوی تو اندازم من این سفر نیست که یک هفته گرانی ببرم

نشانه‌های تصحیف و تحریف در ضبط دیوان آشکار است.

- و همچنین این بیت:

دوست کی دارد شکیبایی ز دوست من نمی‌دانم که این طاقت کراست

سنگدل باشد به هر حالی صبور ورنه در هجران جان مانع چراست

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۵۷)

در برگ (۲۳۴ پ) مجموعه‌ی *لطایف*، مصراع دوم بیت دوم به صورت «ورنه در هجران چنان قانع چراست»، آمده است. سخن از سختی و درعین حال صبوری در راه عشق است؛ شاعر می‌گوید «کسی که در راه وصال به دوست صبوری پیشه می‌کند، سنگدل است و گرنه چرا بر هجران، چنان قانع شده است» آشکار است که «مانع» و «جان» تحریف ضبط مجموعه هستند.

- امیر خسرو:

دیوان امیر خسرو، تاکنون سه بار چاپ و منتشر شده است: نخستین بار م. درویش در سال ۱۳۴۳ *دیوان کامل امیر خسرو* را تصحیح و منتشر کرده است؛ چاپ دوم این اثر، تصحیحی است که اقبال صلاح‌الدین در سال ۱۹۷۲، در پاکستان منتشر کرده است؛ سپس، محمد روشن در سال ۱۳۸۰، با استفاده از چاپ اقبال صلاح‌الدین و برخی تغییرهای مختصر، نسخه‌ی دیگری از *دیوان* شاعر را نشر داد؛ باین حال، لغزش‌های زیادی به این چاپ‌ها وارد شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

- یکی از خطاهای راه‌یافته به *دیوان امیر خسرو*، بیت زیر است:

آن خون که گاه مستی زان مست ما چکد از زلف فتنه بارد و از جان بلا چکد

(امیر خسرو، ۱۳۸۰: ۴۱۱)

مصراع اول در برگ (۲۳۹ ر) مجموعه‌ی *لطایف*، به شکل «آن خوی که گاه مستی زان مست ما چکد»، آمده است؛ تناسبی بین «خون» و «مستی» قابل تصور نیست؛ بلکه این «خوی» است که گاه مستی از چهره‌ی باده‌گسار، جاری می‌شود؛ چنان‌که حافظ می‌گوید: زان می که داد حسن و لطافت به ارغوان بیرون فکند لطف مزاج از رخس به خوی

(حافظ، ۱۳۶۲: ۸۵۸)

- و همچنین این بیت:

سحرگه که بیدار گردیده بودم صبحی دوسه باده نوشیده بودم
شدم بامدادان بدانسان که دل را کنم خوش که محمود ژولیده بودم

(امیر خسرو، ۱۳۸۰: ۶۶۳)

در برگ (۲۴۰ پ) مجموعه‌ی لطایف، بیت دوم این گونه است:
شدم بامدادان به بستان که دل را کنم خوش که مخمور ژولیده بودم
ضبط دیوان، در هر سه چاپ به همین صورت غلط آمده و نشانه‌های تصحیف و تحریف
در آن آشکار است.

- یا بیت زیر:

شد سیهم ز عشق رو، گریه در او از آن کنم گریه چه سود، چون ز رخ شسته نشد سیاهیم
(امیر خسرو، ۱۳۸۰: ۶۶۳)

که در برگ (۲۳۹ پ) مجموعه‌ی لطایف، مصراع اول به صورت «شد سیهم ز فسق
رو گریه ز درد زان کنم»، آورده شده است؛ واضح است که از عشق روسیاهی پدید
نمی‌آید؛ به خصوص که دو بیت قبل از بیت بالا، غزل با این مطلع آغاز شده است:
ملکت عشق ملک شد از کرم الهیم پشت من و پلاس غم اینست^۹ قیای شاهیم

- عمید لویکی:

دیوان کامل عمید لویکی، تنها یکبار توسط نذیر احمد در سال ۱۹۸۵ در لاهور به چاپ
رسیده است. با این که نذیر احمد در تصحیح متن دیوان عمید، منابع جانبی بسیاری،
از جمله نسخه‌ی لندن مجموعه‌ی لطایف را در اختیار داشته، خطاهایی به چاپ دیوان راه
یافته است که در اینجا به سه نمونه، اشاره خواهد شد.
- بیتی از عمید، در دیوان او به این صورت ضبط شده است:

ممتلیم ز فیض تو در غنجان گهرصفت نی چو قنینه کز پری خویش برآید از کلک

(لویکی، ۱۹۸۵: ۱۸۳)

در برگ (۹ پ) مجموعه‌ی لطایف، مصراع دوم این گونه است: «نی چو قنینه کز پری
خونش برآید از هلک»؛ مصحح، ضبط دیوان، «هلک» و ضبط مجموعه‌ی لطایف را که به
اشتباه «حلک» خوانده، به پانویس برده و «کلک» را با استناد به معنای آن از فرهنگ
جهانگیری، قیاساً در متن گنجانده است؛ حال آن که «کلک»، در فاصله‌ی یک بیت بعد، در

قافیه تکرار شده است. ضبط «هلک» که در نسخ دیوان و مجموعه آمده، ضبط صحیحی است و به معنی سسکه در برهان قاطع، ضبط شده است: «هلک به فتح بر وزن فلک، به معنی هکک است که جستن گلو است و عربان فواق گویند» (تبریزی، ۱۳۴۲: ذیل «هلک»). همچنین «خویش» در بیت، تصحیف «خونش» استعاره از باده است.

- و همچنین بیت زیر:

گل که بنفش هندوش کرد ز غنچه منظرش چون رخ ترک مه که او روی نماید از فلک
(لویکی، ۱۹۸۵: ۱۸۱)

که در برگ (۹ ر) مجموعه‌ی لطایف، این گونه است:

گل که بنفشه هندوش کرده ز غنچه منظرش چون رخ ترک من که او روی نماید از یلک
مصحح که متوجه معنای «یلک» نبوده، ضبط صحیح مجموعه‌ی لطایف و نسخ دیوان^{۱۰} را ناصحیح فرض کرده و آن‌ها را به پانوشت برده و دست به تصحیح قیاسی زده است؛ درحالی که یلک «قسمی از کلاه و تاج پادشاهان... کلاهی است که سلاطین بر سر گذارند»: تا من به نور ماه تو شب را برم به روز زان پیش کز سمور به مه درکشی یلک» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «یلک»)

از طرفی دیگر، نسبت دادن «رخ ترک» به «مه» خالی از غرابت نیست. زیبایی بیت براساس تشبیه مرگب بین دو مصراع استوار شده و معنای آن، این گونه است: «بنفشه، هندوی (غلام) گل، برای گل منظری از غنچه ساخته (گل در حال رویدن)، که به صورت معشوق زیبای من که از کلاه روی می نماید، شبیه است».

- یا ضبط اشتباه مصراع دوم بیت زیر:

فرق سپهر اثر زیر قدم بسپرد سوی جناب تو دهر گاه به هنگام گام
(لویکی، ۱۹۸۵: ۳۵۴)

که در برگ (۱۸۹ ر) مجموعه‌ی لطایف، به صورت «سوی جناب تو زد هر که به هنگام گام» آمده است؛ به دلیل ضبط ناصحیح دیوان، معنای بیت روشن نیست و صورت صحیح، ضبط مجموعه‌ی لطایف است.

همچنین در برگ (۱۹۲ ر) مجموعه‌ی لطایف، قصیده‌ای ۲۴ بیتی با مطلع زیر آمده است:

دی در میان باده صافی مزاج و بنگ در مصعد دماغ من افتاد تیره‌جنگ
که در متن دیوان عمید موجود نیست؛ تنها هشت بیت از این قصیده در ذیل مقاله‌ای انگلیسی در پایان کتاب (رک. لویکی، ۱۹۸۵: ۵۱۱) و پنج بیت آن نیز در مقدمه‌ی کتاب و ذیل معرفی ممدوحان شاعر، ذکر شده است (همان: ۱۸). این قصیده علاوه بر مجموعه‌ی لطایف، در عرفات‌العاشقین نیز به نام عمید لویکی ضبط شده است (رک. اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۹-۲۷۱۲).

۳. نتیجه‌گیری

در نبود نسخه‌های کهن و معتبر از دیوان برخی از شاعران، سفینه‌ها و جنگ‌هایی مانند مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف، می‌تواند به‌عنوان یک منبع جانبی مهم، برای بازنگری چنین دیوان‌هایی استفاده شود. این سفینه که در قرون هشتم و نهم در شبه‌قاره‌ی تدوین شده، اشعار بسیاری از شاعران مختلف را در خود گرد آورده است که به دلیل حجم و قدمت آن، می‌تواند شایان توجه باشد. در این پژوهش، با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف، ۴۲ بیت نویافته از شاعران قرون پنجم تا هشتم که دیوان آن‌ها به چاپ رسیده، ارائه شده است. این شاعران و تعداد ابیات نویافته‌ی آن‌ها به ترتیب، عبارتند از: امیرمعزی (۲ بیت)، نظامی گنجوی (۳ بیت)، ظهیر فاریابی (۱ بیت)، شمس طوسی (۴ بیت)، ناصر بجه شیرازی (۳ بیت)، حسن کاشی (۲ بیت)، نزاری قهستانی (۱۶ بیت)، ابن‌یمین (۱ بیت)، عبید زاکانی (۱ بیت) و جهان‌ملک خاتون (۹ بیت). همچنین در این مقاله با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف، به برخی از ضبط‌های ناصحیح موجود در دیوان چند شاعر اشاره شد تا بر این نکته تأکید کرده باشیم که با استفاده از سفینه‌هایی مانند مجموعه‌ی لطایف، می‌توان به چاپی منقح‌تر و معتبرتر از متون شعری دست یافت.

یادداشت‌ها

۱. برای تفاوت آن‌ها (رک. افشار، ۱۳۸۹: هفت-نه) و برای آگاهی از پیشینه‌ی کاربرد این اصطلاحات (رک. افشین‌وفایی و بشری، ۱۳۹۷: ۱۰-۲۰).
۲. لندن: عاجز؛ متن تصحیح قیاسی.
۳. لندن: خاک (!)؛ کابل: حال؛ متن تصحیح قیاسی.
۴. لندن: پخته خام؛ متن تصحیح قیاسی.
۵. به احتمال زیاد ابن‌یمین، این بیت را به پیروی این بیت سنایی سروده است: «ای خنده‌زنان بوس تو بر تنگ شکر بر / وی طنزکنان نوش تو بر رنگ گهر بر» (سنایی، ۱۳۸۰: ۲۴۹).
۶. لندن: فراق از؛ متن مطابق ص ۵۲۸ کابل.
۷. از مجموعه‌ی لطایف افزوده شد.
۸. لندن: تو روی؛ متن مطابق ص ۵۲۷ کابل.
۹. هم مجموعه‌ی لطایف و هم هر سه چاپ دیوان «اینست» ضبط شده ولی به نظر «اینست» صحیح است.
۱۰. مصحح دیوان ضبط نسخه‌ی دیوان را «ملک» گزارش کرده که اگر بدخوانی او نباشد تحریف «یلک» است.

منابع

- ابن‌یمین فریومدی. (۱۳۱۸). *دیوان قطعات و رباعیات ابن‌یمین*. با تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی مروج.
- _____ . (۱۳۴۴). *دیوان اشعار ابن‌یمین فریومدی*. به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی‌راد، تهران: کتابخانه‌ی سنایی.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۹). *سفینه و بیاض و جنگ (مقاله‌های سفینه‌پژوهی)*. گردآوری: میلاد عظیمی، تهران: سخن.
- افشین‌وفایی، محمد؛ بشری، جواد. (۱۳۹۷). «سفینه، مجموعه، جنگ؛ تحولات تاریخی یک نوع ویژه‌ی ادبی». *زبان و ادبیات فارسی*، سال ۲۶، شماره‌ی ۸۵، صص ۷-۳۱.
- امیرخسرو، خسروبن محمود. (۱۳۴۳). *دیوان کامل امیرخسرو دهلوی*. به کوشش م. درویش، با مقدمه‌ی سعید نفیسی، تهران: جاویدان.

_____ (۱۹۷۲م). کلیات غزلیات خسرو. به تصحیح اقبال صلاح‌الدین؛

تجدیدنظر سید وزیرالحسن عابدی، لاهور: پیکیز لمیتد.

_____ (۱۳۸۰). دیوان امیرخسرو دهلوی. به تصحیح اقبال صلاح‌الدین؛

با مقدمه‌ی محمد روشن، تهران: نگاه.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمدبن محمد. (۱۳۸۹). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین.

ج ۱ و ۵، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخراحمد، تهران: میراث مکتوب و

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

بشری، جواد. (۱۳۸۸). «اشعاری نویافته از جهان‌ملک خاتون، شاعر سده‌ی هشتم». پیام

بهارستان، دوره‌ی ۲، سال ۱، شماره‌ی ۱، صص ۷۴۰-۷۶۶.

تبریزی، محمدحسین بن خلف. (۱۳۴۲). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین، تهران:

کتابفروشی ابن‌سینا.

جام‌هروی، سیف. (تالیف ۸۰۴ق الف). مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف. لندن:

کتابخانه‌ی بریتانیا، شماره‌ی Or. 4110 [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت نامعلوم.

_____ (تالیف ۸۰۴ق ب). مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف. کابل: آرشیو

ملی افغانستان. شماره‌ی 14.761 [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت نامعلوم.

جهان‌ملک، خاتون. (۱۳۷۴). دیوان جهان‌ملک خاتون (قرن هشتم هجری). به کوشش

پورانداخت کاشانی‌راد و کامل احمدنژاد، تهران: زوآر.

حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). دیوان حافظ. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری،

ج ۱، تهران: خوارزمی.

دولت‌شاه سمرقندی، دولت‌شاه‌بن بختیشاه. (۱۳۸۲). تذکره‌الشعرا. به تصحیح ادوارد براون،

تهران: اساطیر.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه‌ی دهخدا. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی،

تهران: دانشگاه تهران.

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). «شناخت بیشتر ابن‌یمین در پرتو منابع خارجی». *دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)*، شماره‌ی ۴ و ۵، صص ۳۶-۴۹.

سفینه‌ی یحیی توفیق. استانبول: کتابخانه‌ی سلیمانیه (مجموعه‌ی مدرسه‌ی یحیی توفیق)، شماره‌ی ۴۴۹، [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت ۷۵۴ ق.

سنایی، مجدودبن‌آدم. (۱۳۸۰). *دیوان حکیم ابوالمجدود بن آدم سنایی غزنوی*. به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران: سنایی.

سوزنی سمرقندی. (۱۳۳۸). *دیوان حکیم سوزنی سمرقندی*. تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۴۴). *حکیم سوزنی سمرقندی*. به اهتمام ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: چاپخانه‌ی سپهر.

شاه‌مرادی، امید و همکاران. (۱۳۹۸ الف). «نقد عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف». *متن‌شناسی ادب فارسی*، سال ۵۵، دوره‌ی جدید، سال ۱۱، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۴۳)، صص ۲۵-۴۱.

_____ (۱۳۹۸ ب). «نقد و بررسی مباحث بلاغی در مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف». *فنون ادبی*، سال ۱۱، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۲۸)، صص ۶۹-۸۲.

شمس طبسی، محمدبن‌عبدالکریم. (۱۳۴۳). *دیوان قاضی شمس‌الدین محمد بن عبدالکریم طبسی*. به اهتمام تقی پیش، مشهد: کتابفروشی زوآر.

ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد. (۱۳۳۷). *دیوان ظهیر فاریابی: شامل قصاید، قطعات، ترکیبات، غزلیات، مثنوی، رباعیات و اشعار عربی*. به کوشش تقی پیش، مشهد: باستان _____ (۱۳۸۱). *دیوان ظهیرالدین فاریابی*. به تصحیح امیرحسن

یزدگردی، به اهتمام اصغر دادبه، تهران: قطره.

_____ (۱۳۸۹). *دیوان ظهیر فاریابی*. تصحیح و مقدمه: اکبر بهداروند،

تهران: نگاه.

_____ (بی‌تا). *دیوان ظهیر فاریابی*. به اهتمام هاشم رضی، تهران:

کاوه.

۱۶۸ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۲، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۹ (پیاپی ۴۴)

عابدی، امیرحسین. (۱۳۷۷). «غزلیات و مقطعات و ابیات بازیافته‌ی کمال خجندی». در: گفتارهای پژوهشی در زمینه‌ی ادبیات فارسی، گردآوری سیدحسن عباس، صص ۱۴۹-۱۹۲، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار،

_____ . (۱۳۶۳). «غزلیات ناشناخته سعدی». کیهان فرهنگی، شماره‌ی ۱۰، صص ۳۳-۳۴.

_____ (۱۹۸۵م). «مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف». بیاض، سال ۵، شماره‌ی ۱ و ۲، صص ۱-۲۰.

_____ (۱۳۸۲). «غزلیات و رباعیات بازیافته‌ی ابن‌یمین». قند پارسی، شماره‌ی ۲۱، صص ۷-۵۸.

عبدالکریم مدّاح. (۱۳۹۰). تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی (جنگ عبدالکریم مدّاح، مورّخ ۱۴۹). به کوشش امینه محلاتی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

عبید زاکانی. (۱۳۳۶). کلیات عبید زاکانی: شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات مثنویات، به کوشش پرویز اتابکی، تهران: زوار.

_____ (۱۳۵۴). کلیات عبید زاکانی. به کوشش شهریار یاریخت، با مقدمه‌ی نوذر اصفهانی، تهران: طلوع.

_____ (۱۹۹۹م). کلیات عبید زاکانی. به کوشش محمدجعفر محجوب، زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک: Bibliotheca persica press.

_____ (۱۳۸۲). کلیات مولانا نظام‌الدین عبیدالله معروف به عبید زاکانی. تصحیح و تحقیق و شرح و ترجمه‌ی حکایات عربی پرویز اتابکی، تهران: زوار.

_____ (بی‌تا). کلیات عبید زاکانی: شامل قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات و عشاقنامه. با تصحیح و مقدمه‌ی عباس اقبال، تهران.

غزنوی، سیدحسن. (۱۳۶۲). دیوان سیدحسن غزنوی. به تصحیح و مقدمه‌ی سیدمحمدتقی مدرّس‌رضوی. تهران: اساطیر.

_____ (۱۳۹۸). دیوان سیدحسن غزنوی. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات عباس

بگ‌جانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
غنی، قاسم. (۱۳۸۶). بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. تالیف قاسم غنی، مقدمه به
قلم محمد قزوینی، ج ۱، تهران: هرمس.

کاشی، کمال‌الدین حسن بن محمود. (۱۳۸۹). دیوان حسن کاشی. به کوشش سیدعباس
رستاخیز، با مقدمه‌ی حسن عاطفی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای
اسلامی.

لویکی، فضل‌الله عمید. (۱۹۸۵م). دیوان عمید لویکی. به تصحیح نذیر احمد، لاهور:
مجلس ترقی ادب.

مجیر بیلقانی. (۱۳۵۸). دیوان مجیرالدین بیلقانی. تصحیح و تعلیق محمدآبادی، تبریز:
مؤسسه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران.

معزی، محمدبن عبدالملک. (۱۳۱۸). دیوان امیرالشعرا محمدبن عبدالملک نیشابوری متخلص
به معزی. تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

_____ (۱۳۶۲). دیوان کامل امیر معزی. با مقدمه و تصحیح ناصر
هیری، تهران: مرزبان.

_____ (۱۳۸۵). کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری. مقدمه، تصحیح
و تعلیقات محمدرضا قنبری، تهران: زوآر.

ملطوی، مسافربن ناصر. (۱۳۹۰). انیس الخلوه و جلیس السلوه: نسخه‌برگردان دستنویس
شماره‌ی ۱۶۷۰، کتابخانه‌ی ایاصوفیا (استانبول). به کوشش محمد افشین‌وفایی و ارحام
مرادی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

میرافضلی، سیدعلی. (۱۳۹۴). جنگ رباعی: بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی.
تهران: سخن.

ناصر بجه‌ای. (۱۳۷۵). «دیوانچه‌ی ناصر بجه‌ای». گردآوری محمود مدبری. در: نامواری
دکتر محمود افشار. گردآورنده ایرج افشار، با همکاری کریم اصفهانیان، ج ۹، صص
۵۲۸۸ - ۵۳۴۹، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۱۷۰ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۲، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۹ (پیاپی ۴۴)

نحوی، اکبر. (۱۳۹۷). «دو نکته درباره‌ی ابوسهل زوزنی». در: دیهیم هفتاد؛ مهرنامه‌ی استاد دکتر محمدجعفر یاحقی. به خواستاری و اشراف محمود فتوحی، سلمان ساکت و اصغر ارشاد سرابی، صص ۳۹۶ - ۳۹۸، تهران: سخن.

نذیر احمد. (۱۹۹۱م). *غزل‌های حافظ براساس مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف*. دهلی: خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

_____ (۱۳۹۴). «چند شاعر فارسی‌گوی عهد فیروزشاه تغلق». ترجمه‌ی شیوا امیرهدایی، نامه‌ی فرهنگستان، شماره‌ی ۴، صص ۳۴۷-۳۷۷.

نزاری قهستانی. (۱۳۷۱). *دیوان حکیم نزاری قهستانی*. ج ۱ و ۲، مؤلف: مظاهر مصفا، تهران: علمی.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۶۲). *دیوان قصاید و غزلیات گنجوی*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران: فروغی.

_____ (۱۳۸۵). *گنجینه (حکیم نظامی گنجه‌ای)*. با حواشی و تصحیح حسن وحیددستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

_____ (۱۳۹۱). *دیوان نظامی گنجوی*. تصحیح، گردآوری و توضیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.

نوشاهی، عارف. (۱۳۷۸). «مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی». معارف، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۴۶)، صص ۵۰-۶۵.

_____ (۲۰۱۸م). «بوعلی قلندر پانی پتی کافارسی کلام». (منقول از مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف). در: پنجاب مین فارسی ادب، لاهور: ناظم مجلس ترقی ادب، صص ۲۹-۳۸.

وحید، فوزیه. (۲۰۱۱م). *بررسی انتقادی جلد اول مجموعه‌ی لطایف و سفینه‌ی ظرایف* نوشته‌ی سیف جام هروی، پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه علیگره.

_____ (۲۰۱۴م). *هندو ایرانی شعرا کانو دریافت مجموعه‌ی کلام*. علیگره: مشکوه پرنترس.